

## « اخلاق ، حجاب اسلامی، حدود وموازن آن »

### مظاهر تیموریان

کارشناس ارشد فقه ومبانی حقوق اسلامی - مدرس دانشکده فنی و حرفه ای محمودآباد- دانشگاه فنی و حرفه ای

### سید مجید حسینی

کارشناس ارشد تاریخ ایران دوره اسلامی- مدرس دانشکده فنی و حرفه ای محمودآباد- دانشگاه فنی و حرفه ای

### چکیده

از آنجایی که رعایت صحیح اخلاق در جامعه مورد توجه تمام ادیان الهی ومکاتب بشری است دین حیات بخش اسلام، که تنها هدف آن- بنا به فرمایش گوهر بار رهبر آن، پیامبر اکرم (ص)- «ترویج وتکمیل اخلاق نیکو وپسندیده» است ، اهتمام ویژه ای به این امر دارد ونیز حجاب ، یکی از موثرترین عوامل در جهت تامین سلامت اخلاقی جامعه وحفظ نسلی سالم وپویا است .

بدون شک وضع قانون مترقی حجاب از سوی شارع مقدس ، براساس فلسفه و حکمتی است که دانستن حدود و رعایت دقیق آن از سوی زنان ومردان ، موجبات آرامش روانی وبالطبع سلامت اخلاقی جامعه اسلامی را فراهم نموده و رشد و بالندگی را در عرصه های مختلف به همراه دارد ، چنانکه زنان غیور ایران اسلامی بارعایت حجاب ، پرشور وبانشاط در عرصه های مختلف علمی ، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و حتی میادین بین المللی ورزشی، خلق حماسه نموده وثابت نمودند که برخلاف دیدگاه های مغرضانه غرب ، «حجاب مصونیت است نه محدودیت» .

این مجموعه نه رساله عملیه است و نه متعرض به عالم فتوا، بلکه پژوهشی کوتاه پیرامون موضوع « اخلاق ،حجاب و حدود وموازن آن » از دیدگاه قرآن ، سنت ، علماء وفقه های بزرگوار متاخر ومتقدم .

کلیدواژه : اخلاق ، حجاب، جیوب ، موازن، زینت، ازار

## مقدمه

حجاب و پوشش برای بانوان و توجه به حریم عفاف و حراست آن از اصیل ترین سنگر زنان و از مهمترین و سودمند ترین قانون الزامی آفرینش برای آنها در جامعه است، به عبارت روشن تر، حجاب و پوشش، سنگر سعادت و پیروزی و رستگاری آحاد جامعه است، که اگر این سنگر آسیب ببیند و یا فرو ریزد، عوامل سعادت، پاکیزستی و شرافت آنها فرو می ریزد.

با کمال تأسف دنیاى غرب و دنباله روهای آنان این مسئله بسیار مهم اسلامی و اخلاقی را نادیده گرفته بلکه به عکس با کمال گستاخی برضد آن، گام بر می دارند و آنرا عامل تخدیر و رکود و واپس گرایی دانسته، تا آنجا که در دانشگاههای خود، دختران دارای پوشش را اخراج می کنند، با اینکه حجاب؛ سنگر حفظ عفت و معرف شخصیت زن و جامعه، سنگر حفظ زیبایی و شکوه زن، سنگر حفظ ارتباطات صحیح اجتماعی، سنگر و دژ خلل ناپذیر، برای حفظ مرزها و شیرازه های روابط مختلف بوده و کیان خانه و خانواده را از هر گونه «انحراف اخلاقی» حفظ می کند.

لیکن دزدان عفت و غارتگران استعمار، برای فریب اذهان و وسیله قرار دادن زنان به عنوان یک کالا، می خواهند آنان را که نیمی از جامعه انسانی هستند از همین راه، از درون تهی کنند و با این کار به تهاجم فرهنگی خود ادامه دهند، آنها چنین القاء می کنند که: حجاب سدی بر سر راه تکامل آنهاست.

در حالیکه حجاب اسلامی، نه تنها آن پیامدهای شوم راندارد، بلکه وسیله و سنگر محکمی برای استواری زندگی بوده و پشتوانه نیرومندی برای آنها در راستای توسعه علمی، فکری، فرهنگی و هنری است. و این را بدانیم که:

« هر شاخه ای که از باغ برون آرد سر در میوه آن طمع کند راهگذر. »

## واژه حجاب

در مباحث فقهی و تفسیری، به دو واژه «ساتر» و «حجاب» بر می خوریم:

**واژه نخست**، یک معنا بیش ندارد و آن «پوشش» است، ولی **واژه دوم**، در دو معنای «پوشیدن» و «پوشش» استعمال شده است؛ چنان که ابن منظور می نویسد:

« أَلْحِجَابُ: السُّتْرُ... وَاسْمٌ مَا احْتَجَبَ بِهِ، وَكُلُّ مَا حَالَ بَيْنَ شَيْئَيْنِ حِجَابٌ؛

حجاب، به معنای پوشیدن... (و نیز) اسم چیزی که پوشانیدن با آن انجام می گیرد، می باشد و هر چیزی که میان دو چیز، جدایی بیندازد حجاب است. »

و نیز می گوید: «هر چیزی که مانع از چیز دیگر شود، او را حجب نموده است، چنان که در باب میراث، اخوه (برادران) حاجب مادر شده، موجب می شوند سهم مادر از ثلث، به سدس تقلیل یابد.<sup>۱</sup> فیروز آبادی نیز در سخنی مشابه می نویسد:

<sup>۱</sup> (لسان العرب، ج ۳، ص ۵۰).

« حَجَبَهُ حُجْبًا وَ حِجَابًا: سِتْرَهُ ... الْحِجَابَةُ وَ الْحِجَابُ: مَا أُحْتَجَبَ بِهِ. »<sup>۱</sup>

حاصل گفتار این دو لغوی آن است که: واژه ی مورد بحث گاهی در مفهوم مصدری و در قالب اسم معنا (پوشانیدن) به کار می رود؛ گاهی نیز در قالب اسم ذات و به معنای هر چیزی که میان دو شیء جدایی انداخته، مانع رسیدن آن دو به یکدیگر شود، چنان که قرآن مجید درباره بهشتیان و دوزخیان، می فرماید: «وَبَيْنَهُمَا حِجَابٌ»<sup>۲</sup>

راغب می نویسد: مقصود از حجاب در این آیه، آن چیزی است که مانع از رسیدن لذت بهشتیان به اهل آتش و مانع از رسیدن آزار و اذیت اهل آتش به بهشتیان می شود<sup>۳</sup>

اما معنای دوم، عام است و می تواند دارای مصادیقی مانند: دیوار، لباس، پرده و ... باشد، چون با همه اینها، حالت منع و ستر، محقق می شود.

با این توضیح، روشن می شود که سخن استاد شهید مرتضی مطهری پیرامون واژه مورد بحث، تا حدودی مورد مناقشه است؛ وی می نویسد:

«کلمه حجاب هم به معنی پوشیدن است و هم به معنی پرده و حجاب. بیشتر استعمالش به معنی پرده است. این کلمه، از آن جهت مفهوم پوشش می دهد که پرده، وسیله پوشش است و شاید بتوان گفت که: به حسب اصل لغت، هر پوششی حجاب نیست؛ آن پوشش، حجاب نامیده می شود که از طریق پشت پرده واقع شدن، صورت گیرد.»<sup>۴</sup>

پس آنچنان که از عبارت های واژه شناسان، دانسته شد، اولاً: معنای دوم حجاب، عام است و پرده، تنها یکی از مصادیق آن است و ثانیاً به حسب اصل لغت، می توان هر گونه حجاب را پوشش دانست؛ گرچه بی گمان در اصطلاح فقها و کاربردهای روزمره، حجاب، معنایی مخصوص دارد.

به هر حال واژه مزبور، در بسیاری از نصوص، به معنای دوم به کار رفته است: از باب نمونه، در روایتی که آن را عبدالله بن سنان از امام صادق (ع) نقل می کند آمده است:

«قال رسول الله (ص): لقد أسرى ربي بي، فأوحى إليّ من وراء الحجاب ما أوحى.»<sup>۵</sup>

«رسول خدا (ص) فرموده است: پروردگارم مرا به سفر شبانه (معراج) برد و از پشت مانع به من وحی کرد، آنچه را وحی کرد.»

در پاره ای از نصوص نیز هر دو معنا می تواند مقصود باشد؛ بر اساس روایتی که صاحب تأویل الایات به سند خود از ابوذر و او از پیامبر (ص) نقل می کند، حضرت، ضمن فضائلی برای علی (ع) برشمرده، فرموده است: «ای ابوذر! اگر علی نبود، حق از باطل و مؤمن از کافر، آشکار نمی گشت و خداوند پرستش نمی شد، زیرا او بر سرمشکران زد تا اسلام آورند و خداوند پرستش گردید و اگر این امر نبود،

<sup>۱</sup> (القاموس المحيط، ج ۱، ص ۱۷۹)

<sup>۲</sup> (اعراف (۷) آیه ۴۶)

<sup>۳</sup> (مفردات القرآن، ص ۲۱۹)

<sup>۴</sup> (مسئله حجاب، ص ۷۸)

<sup>۵</sup> (بصائر الدرجات، ص ۵۱۴)

پاداش و کیفری در کار نبود و از ناحیه خداوند، چیزی که پوشاننده کیفر و منع کننده از آن باشد، و چون نداشت و او حجاب و ستر است.<sup>۱</sup> «  
روایت اخیرمی تواند اشاره به این مفهوم باشد که شناخت پیدا کردن مردم به حقانیت علی (ع) و استواری راه او و ملتزم شدن به شیوه و منش آن حضرت، می تواند مانع از کیفر الهی و موجب پوشانیدن آن شود.

بنابراین به نظر می رسد، معادل دقیق اصطلاح «پوشش» در زبان عرب واژه «ستر» است. شاید به همین سبب باشد که فقها در باب پوشش نمازگزار و شخص محرم، از همین تعبیر استفاده کرده اند.

### فطری بودن حجاب

حجاب و پوشش در تمام ادیان و مذاهب، دارای جایگاه خاصی است، و یکی از دلایل اساسی آن این است که حجاب و عفاف، یک امر فطری است.

داستان حضرت آدم و حوا نیز فطری بودن پوشش را اثبات می کند. در تورات (کتاب مقدس یهودیان که برای مسیحیان نیز مقدس است)، می خوانیم:

«و چون زن دید که آن درخت برای خوراکی نیکوست و به نظر، خوش نما و درختی دلپذیر و دانش افزا، پس، از میوه اش گرفته بخورد و به شوهر خود نیز داد و او خورد \* آنگاه چشمان هر دوی ایشان باز شد و فهمیدند که عریان اند، پس برگهای انجیر به هم دوخته، سترها برای خویشتن ساختند...». بعد ادامه می دهد:

«و آدم، زن خود را حوا نام نهاد، زیرا که او مادر جمیع زندگان است\* و خداوند رخت ها برای آدم و زنش از پوست بساخت و ایشان را پوشانید.<sup>۲</sup>»

بر طبق این متن، آدم و حوا لباسی نداشتند و بعد از خوردن شجره ممنوعه چشمانشان باز شد و فهمیدند که عریان اند که بلافاصله با برگ درختان خود را پوشانند و بعدا خداوند لباسی از پوست به ایشان ارزانی داشت

در قرآن کریم در مورد داستان حضرت آدم و حوا چنین آمده است:

«فَلَمَّا ذَاقَا الشَّجْرَةَ بَدَتْ لَهُمَا سَوَاتُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ.<sup>۳</sup>»

آن گاه که آدم و حوا از درخت ممنوعه چشیدند، پوشش خود را از دست داده (عورتشان آشکار گردید) و به سرعت، با برگ درختان بهشتی خود را پوشانند.

طبق آیات شریفه قرآن کریم، حضرت آدم و حوا قبل از چشیدن درخت ممنوعه دارای لباس بوده اند، اما با خوردن از آن درخت ممنوعه (بر اثر اغوای شیطان) لباس خود را از دست دادند که بلافاصله به پوشاندن خود اقدام نمودند.

<sup>۱</sup> (تأویل الآيات، ص ۸۳۱)

<sup>۲</sup> (تورات، سفر پیدایش، باب ۳، آیات ۸-۶ و ۲۱-۲۰)

<sup>۳</sup> (سوره اعراف، آیه ۲۲).

به هر حال، مطابق هر دو نقل، پس از احساس برهنگی (خواه طبق نقل تورات قبل از آن دارای لباس نبوده و یا طبق قرآن کریم دارای لباس بوده اند) بلافاصله خود را با برگهای درختان بهشتی پوشاندند. این احساس شرم از برهنگی حتی بدون حضور ناظر بیگانه، و سرعت در پوشاندن خود به وسیله برگ ها (ولو بطور موقت)، از آن جهت که تحت هیچ آموزش یا فرمانی از جانب خداوند یا فرشته وحی و یا تذکر هریک به دیگری صورت گرفته است، بیانگر فطری بودن پوشش در انسان است و ثابت می کند که لباس و پوشش، به تدریج و بر اثر تمدن ها ایجاد نشده است، بلکه انسان های نخستین، یا به تعبیر بهتر، نخستین انسان ها، به طور فطری بدان گرایش داشته اند. و بنا به گواهی متون تاریخی، در اکثر قریب به اتفاق ملت ها و آیین های جهان، حجاب در بین زنان، معمول بوده است. هر چند حجاب در طول تاریخ، فراز و نشیب های زیادی را طی کرده و گاهی با اعمال سلیقه حاکمان، تشدید یا تخفیف یافته است، ولی هیچ گاه بطور کامل از بین نرفته است.

اگر به لباس ملی کشورهای جهان بنگریم، به خوبی حجاب و پوشش زن را در آن می بینیم. دقت در لباس ملی کشورها ما را از ورق زدن کتب تاریخی برای یافتن ملل و اقوامی که زنان آنها دارای حجاب بوده اند، بی نیاز می سازد و به خوبی اثبات می کند که حجاب در میان اکثر ملت های جهان، معمول بوده و اختصاص به مذهب یا ملت خاصی نداشته است.

تمام ادیان آسمانی، حجاب و پوشش زن را واجب و لازم شمرده اند و جامعه بشری را به سوی آن دعوت کرده اند؛ زیرا لزوم پوشش و حجاب به طور طبیعی در فطرت زنان به ودیعت نهاده شده است و احکام و دستورهای ادیان الهی هماهنگ و همسو با فطرت انسانی تشریح شده است، پس در همه ادیان الهی پوشش و حجاب زن واجب گشته است.

### حجاب در نصوص قرآنی

آنچه می تواند به گونه صریح، مستند حکم و جوب پوشش بر بانوان در برابر مردان نامحرم باشد، شماری از نصوص قرآنی است که در ذیل به نقل متن و ترجمه دو آیه، از مهمترین آنها بسنده می کنیم:

«وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَائِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي أَخَوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوِ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعاً أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»<sup>۱</sup>

« و به زنان با ایمان بگو! دیدگان خویش را - از نامحرمان - فرو بندند و دامن های خود را حفظ کنند و زینت های خود را، جز آنچه نمایان است، آشکار نسازند. و ایشان باید روسری های خود را بر گریبان های خویش فرو اندازند و زینتشان را آشکار نسازند، جز برای همسرانشان، یا پدرانشان یا پدران همسرانشان یا پسرانشان یا پسران همسرانشان یا برادرانشان یا برادرزادگانشان یا خواهرزادگانشان یا زنانشان یا مملوکانشان یا مردان طفیلی که نیازی به زن ندارند، یا کودکانی که بر اسرار زنان آگاهی

<sup>۱</sup> - نور (۲۴)، آیه ۳۱.

ندارند (یا توانایی آمیزش جنسی ندارند) و باید زنان، پاهای خود را بر زمین نکوبند تا زینت های پنهان ایشان آشکار شود و ای اهل ایمان! همگی به سوی خدا توبه کنید! باشد که رستگار شود.»

### شرح کوتاه

در این آیه، سه فراز نورانی (وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا) ، (وَلِيُضْرِبَنَّ بِخُمْرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ) و (وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ...) به روشنی بر اصل وجوب پوشش دلالت دارند.

همچنین به پنج موضوع در رابطه با حجاب و حفظ حریم عفت تصریح شده است:

۱. زنان باید دیدگان خود را از نگاه به نامحرم فرو بندند.

۲. زنان باید دامن خود را از هرگونه عوامل بی عفتی، حفظ کنند.

۳. زنان باید روسریهای خود را بر سینه بیفکنند.

۴. زنان باید زینت خود را، جز آن مقدار که بطور قهری آشکاراست، آشکار نکنند.

۴. زنان باید زینت خود را جز برای افراد محرم خود، آشکار نکنند.

### منظور از زینت چیست ؟

با بررسی گفتار اهل لغت چنین فهمیده می شود که زینت به معنی زیبایی در مقابل زشتی است و شامل هر نوع زینت و آراستگی، از طبیعی و عارضی، از لباس و بدن و زیور آلات خواهد شد، و زینت در زن، آن زیبایی های آشکاراست.

بنابراین واژه زینت وسیع است. زینت، هم شامل زینت های طبیعی مثل صورت، بازوان، سینه، گردن و... و هم شامل زینت های اکتسابی مثل آویختن زیور آلات است.

عبدالله بن جعفر حمیری نیز در کتاب خود، قرب الاسناد از هارون بن مسلم و او از مسعده بن زیاد نقل می کند:

« شنیدم از امام جعفر صادق (ع) درباره چیزی که زن می تواند از زینتش آن را آشکار نماید، پرسیده شد، فرمود: چهره و دو دست را<sup>۱</sup>

این روایت که در مقام تفسیر فراز نورانی (وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا) در آیه نخست است، افزون بر بیان کمیت پوشش، بر اصل وجوب آن نیز دلالت دارد.

ابن عباس عالم و مفسر بزرگ عصر پیامبر در تفسیر جمله

« و لِيُضْرِبَنَّ بِخُمْرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ » می فرماید: یعنی زن باید مو و سینه و دور گردن و زیر گلوی خود را بپوشاند

همچنین در سوره احزاب آیه ۵۹ آمده است:

«بَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأُزْوَاجِكُمْ وَبَنَاتِكُمْ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذِينَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا»

<sup>۱</sup> (وسائل، ج ۱۴، ص ۱۴۶، ابواب مقدمات النکاح، ب ۱۰۹، ح ۵)

« ای پیامبر! به همسران و دخترانت و زنان با ایمان بگو پوشش های خویش را بر خود فرو گیرند، این کار، برای این که - از کنیزان - شناخته شوند تا مورد آزار قرار نگیرند، نزدیک تر است و خدا، بسیار بخشنده و مهربان است. »

البته آیات دیگری در کلام نورانی قرآن مجید در زمینه حجاب و حفظ آن بیان شده که برای اختصار به همین دو آیه بسنده می کنیم

### حدود و معیار حجاب

فقها با چشم پوشی از پاره ای اختلافات در کم و کیف پوشش، هیچ اختلافی در اصل و جوب آن بر بانوان در برابر مردان نامحرم ندارند و بی گمان این حکم مورد اجماع همه علمای اسلام است؛ علامه حلی می نویسد:

« بنابر اجماع دانشمندان شهرها، عورت زنان عبارت است از همه بدن او به جز چهره، به جز ابابکر بن عبدالرحمن بن هشام که گفته است: همه بدن زن، حتی ناخن های او، عورت است. و این سخن، به اجماع، مردود است. اما دو دست نیز از نظر همه علمای ما، مثل چهره است و فتوای مالک و شافعی و اوزاعی و ابو ثور نیز همین است ... ولی احمد و داود، گفته اند: دو دست از عورت است.<sup>۱</sup>

نیز در مبحث لباس نماز گزار از کتاب ارشادالاذهان می نویسد:

«همه بدن زن، جز چهره، دو دست و قدم های او، عورت است.<sup>۲</sup>

صاحب جواهر، پس از بیان دلیل های فراوان بر وجوب پوشیدن عورت از ناظر و حرمت نگریستن بدان می نویسد:

« فشرده سخن این است که آنچه بر وجوب پوشانیدن عورت و حرمت نگریستن بدان دلالت دارد، بیش از آن است که به شمارش آید<sup>۳</sup>

### اقوال فقها در کتاب نکاح

عالمان فقه، در مبحث نکاح نیز بر حرمت نگریستن مردان به زنان نامحرم به غیر از چهره و دستان آنان اتفاق نموده اند. این فتوا، اگر چه صراحتی در وجوب پوشش بر بانوان ندارد، ولی بنابراین که اعانه بر حرام را حرام بدانیم یا این که در این مورد، حرمت نگریستن را ملازم با وجوب پوشش در نظر بگیریم، می توان حکم مزبور را به روشنی از آن برداشت نمود.

شیخ در مبسوط می نویسد: مرد نمی تواند بدون حاجب و سبب، به زن نامحرم بنگرد. نگریستن او به قسمت هایی از بدن او که عورت است، حرام و به آن قسمت که عورت نیست یعنی چهره و دو دست، مکروه می باشد<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> (تذکره الفقهاء، ج ۲، ص ۴۴۸).

<sup>۲</sup> (سلسله الینایع الفقهیه، ج ۲۷، ص ۵۳۳)

<sup>۳</sup> (جواهرالکلام، ج ۲، ص ۳).

<sup>۴</sup> (مبسوط، ج ۴، ص ۱۶۰).

ابن ادریس حلی نیز می گوید :

برای مرد جایز نیست در حالت اختیار، به زن نامحرم بنگردد، ولی نگریستن به او سبب ضرورت یا حاجت، رواست<sup>۱</sup>

این حکم از نظر فخرالمحققین، مورد اجماع علمای اسلام و از نگاه صاحب جواهر، از احکام ضروری دین و مذهب است<sup>۲</sup>.

### اقوال فقها در مقدار پوشش واجب

بر خلاف اصل و جوب پوشش بانوان در برابر مردان نامحرم که جای بحث نبود، مقدار و اندازه آن تا حدودی مورد بحث و گفت و گو است و در این زمینه با اقوالی چند رو به رو هستیم؛ خاستگاه این اقوال نیز از اختلافی است که میان فقها درباره مواضع مورد استثنا از حکم و جوب پوشش واقع شده است که با جست و جو در متون فقهی، به چهار قول ذیل بر می خوریم :

**اول- بر زن پوشانیدن همه بدن، جز چهره و دو دست، واجب است؛** می توان این قول را به بیشتر قریب به اتفاق فقهای اسلام، نسبت داد. در متون فقهی شیعه، کلمات شیخ در مبسوط، (ج ۴، ص ۱۶۰)؛، علامه در تذکره (ج ۲، ص ۴۴۸)؛ ، فخرالمحققین در ایضاح النافع، (ج ۳، ص ۶) و محقق در شرایع (ج ۲، ص ۲۶۹) ظاهر، بلکه صریح در این قول است.

چنان که پیش تر گذشت، علامه، مستثنا بودن چهره را مورد اجماع علمای شهرها به جز ابابکرین عبدالرحمن و مستثنا بودن دستان را نیز مورد اتفاق علمای شیعه دانست. بلکه از عبارت فخرالمحققین استفاده می شود، مستثنا بودن چهره و دستان، مورد اجماع علمای اسلام است در میان اهل سنت، مالک، شافعی، اوزاعی و ابو ثور نیز، طرفدار همین قول هستند<sup>۳</sup>

و فقهای معاصر نیز بر این قول صحه نموده به طوری که در کتاب احکام روابط زن و مرد در صفحه ۱۰۸ و ۱۰۹ آمده است « بر زنان واجب است تمام بدن خود را به استثناء وجه و کفین از نامحرم بیوشانند مشروط به آنکه ۱- وجه و کفین آنها زینت نداشته باشد ۲- کسی به قصد لذت و ریه به وجه و کفین آنها نگاه نکند .

و این قول را امام (ره) (احکام بانوان، سوال ۶، ص ۱۱ و استفتاء) ، آیات عظام، اراکی (توضیح المسائل، م ۲۴۴۹) ، بهجت (توضیح المسائل، م ۱۹۳۷) ، تبریزی (استفتاءات، سوال های ۱۴۸۵ و ۱۴۸۶) ، خامنه ای (استفتاء) ، فاضل (توضیح المسائل، م ۲۵۰۳) ، سیستانی (توضیح المسائل، م ۲۴۴۴) ، گلپایگانی (توضیح المسائل، م ۲۴۴۴) و مکارم (استفتاء) نسبت داده است .

<sup>۱</sup> (شرایع، ج ۲، ص ۲۶۹) .

<sup>۲</sup> (ایضاح الفوائد، ج ۳، ص ۶؛ جواهر الکلام، ج ۲۹، ص ۷۵) .

<sup>۳</sup> (تذکره الفقهاء، ج ۲، ص ۴۴۶) .

دوم- بر زن پوشانیدن همه بدن، حتی چهره و دو دست، واجب است. این قول، به گفته علامه حلی، مختار ابابکر بن عبدالرحمن بن هشام و به گفته صاحب جواهر، مختار فاضل مقداد است؛<sup>۱</sup> نیز این قول، از عبارتی از فیض کاشانی در تفسیر صافی، ظاهر می شود.<sup>۲</sup>

سوم- بر زن، پوشانیدن همه بدن، جز چهره واجب است. این قول، از سوی احمد بن حنبل و داود ابراز شده و در میان شیعه، طرفدار ندارد.<sup>۳</sup>

چهارم - بر زن، پوشانیدن همه بدن، جز چهره، دو دست و قدم ها، واجب است. بر طبق عبارتی از علامه، این قول، از ابوحنیفه و ثوری، ظاهر می شود.

از آنجایی که قول اول مورد اتفاق اکثر فقهای شیعه اعم از متقدم و متأخر و دو فرقه اهل سنت (شافعی و مالکی) است به ذکر دلیل های این قول می پردازیم و برای اختصار از بیان دلایل اقوال دیگر صرف نظر می کنیم

### دلایل قول اول

۱- مهم ترین دلیل این قول: فراز نورانی ( وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا ) در آیه ۳۱ از سوره نور است؛ توضیح آن در تعیین مصداق زینت ظاهری که در این آیه، از مورد نهی، استثنا شده، اقوال زیر بیان شده است:

۱. لباس؛ ۲. سرمه، انگشتر، گونه ها و حنای کف دست؛ ۳. سرمه، النگو و انگشتر؛ ۴. چهره و سرانگشتان؛ ۵. چهره و دو دست.<sup>۴</sup>

چنان که پیداست، قول اخیر با دیگر اقوال - به جز قول نخست - تا حدودی قابل جمع است و تفاوت چندانی با آنها ندارد. به حسب ظاهر، قول اخیر، ناظر به موضع زینت است و سه قول پیش از آن، ناظر به خود زینت و طبیعی است که لازمه جواز آشکار نمودن زینت هایی مثل سرمه و انگشتر، جواز آشکار نمودن مواضع آنها است.

به هر حال با توجه به پاره ای قراین، قول اخیر، از قابلیت پذیرش بیشتری برخوردار است؛ از جمله در روایت صحیحی ای پیش، از قول مسعده بن زیاد نقل کردیم، آمده است:

« شنیدم امام جعفر صادق (ع) در پاسخ این پرسش که زن، چه قسم از زینت را می تواند آشکار نماید؟ فرمود: چهره و دو دست را.<sup>۵</sup> »

در روایت دیگری که شیخ کلینی، با سندی نسبتاً خوب از زراره و او از امام صادق (ع) نقل می کند، می خوانیم: زینت ظاهری، سرمه و انگشتر است ( همان، ح ۳).

همچنین در روایت دیگری با سند وی از ابی بصیر آمده است:

<sup>۱</sup> ( جواهرالکلام، ج ۲۹، ص ۷۷ )

<sup>۲</sup> ( تفسیر صافی، ج ۲، ص ۳۶۶ )

<sup>۳</sup> ( تذکره الفقهاء، ج ۲، ص ۴۴۸ )

<sup>۴</sup> ( مجمع البیان، ج ۷، ص ۲۴۱ )

<sup>۵</sup> ( وسائل، ج ۱۴، ص ۱۴۶، ابواب مقدمات النکاح، ب ۱۰۹، ح ۵ )

از امام صادق (ع) درباره آیه ( و لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا ) پرسیدم، فرمود:

« مقصود از آن، انگشتر و النگو است.<sup>۱</sup> »

به هر حال، هیچ شاهدهی بر وجه نخست یافت نمی شود، بلکه باید از جهاتی آن را مردود دانست؛ از جمله این که لباس، به خودی خود، ظاهر است و در معرض دید قرار دارد و نیازی به استثنا کردن آن نیست.

شهید مطهری در ردّ این وجه، به این نکته ظریف اشاره می کند که :

« لباس را وقتی می تواند زینت محسوب کرد که قسمتی از بدن نمایان باشد، مثلاً در مورد زنان بی پوشش، می توان گفت لباس آنها، یکی از زینت های آنها است، ولی اگر زن تمام بدن را با یک لباس سرتاسری بپوشاند، چنین لباسی، زینت شمرده نمی شود.<sup>۲</sup> »

۲- استدلال دیگر بر قول اول : فراز نورانی ( وَكَيْضَرِ بْنِ بَحْمَرٍ عَلَيَّ جُيُوبَهُنَّ )؛ در آیه مزبور است که مفاد آن، وجوب پوشانیدن گریبان، توسط روسری است. با افزودن این نکته که چون آیه در مقام بیان حد پوشش است، اگر پوشانیدن چهره هم لازم بود، بیان می کرد<sup>۳</sup>

توضیح این که در آیه مورد بحث، واژه «خُمُر» جمع «خِمَار» و آن به معنای روسری و مقنعه است؛ در لسان العرب آمده است :

« خمار، پوششی است که زن با آن سر خود را می پوشاند.<sup>۴</sup> »

طبرسی نیز گفته است :

« خمر، جمع خمار و به معنای مقنعه است و آن پوشش سر و گریبان زن است.<sup>۵</sup> »

۳- دلیل سوم در مورد این قول : در بسیاری از نصوص، راویان، پرسش هایی درباره حکم نگاه کردن به موی شماری از زنان، مطرح کرده اند و امامان معصوم (ع) به آنان پاسخ داده اند. آنچه از این پرسش ها و پاسخ ها استفاده می شود، این است که : در محیط آن زمان و از نظر سائل و امام، تردیدی در جواز آشکار بودن چهره نبوده و مستثنا بودن آن قطعی تلقی می شده است. در ذیل با شماری از این نصوص آشنا می شویم :

۱. صحیحی ابی نصر بزنطی :

عبدالله بن جعفر حمیری قمی در کتاب قرب الاسناد، به سند خود، از احمد بن محمد بن عیسی و او از امام رضا (ع) نقل می کند :

<sup>۱</sup> (همان، ح ۴)

<sup>۲</sup> (مسئله حجاب، ص ۱۷۲).

<sup>۳</sup> (همان).

<sup>۴</sup> (لسان العرب، ج ۴، ص ۲۱۳).

<sup>۵</sup> (مجمع البیان، ج ۷، ص ۲۴۱).

« از امام رضا (ع) پرسیدم: آیا برای مرد رواست به موی خواهر زن خود نگاه کند؟ فرمود: نه، مگر این که از زنان سالخورده باشد. به حضرت عرض کردم: خواهر زن و غریبه در این حکم یکسانند؟ فرمود: بله.<sup>۱</sup>»

۲. صحیح محمد بن اسماعیل بن بزیع:

« از امام رضا (ع) در مورد پوشش زنان آزاد در مقابل خواجگان پرسیدم، فرمود: خواجگان بر دختران امام کاظم (ع) وارد می شدند، در حالی که مقنعه بر سر نداشتند. پرسیدم آیا خواجگان، آزاد - و غیر برده - بودند؟ فرمود: نه. عرض کردم: پوشش سر در برابر خواجگان لازم است؟ فرمود: نه.»  
البته فقها در مورد مقدار پوشش زنان آزاد در برابر خواجگان و خدمت گزاران، اختلاف نظر دارند و ما در جای خود به آن خواهیم پرداخت. ولی به هر حال، مستفاد از این روایت، مسلم و مفروغ عنه بودن حکم چهره و عدم وجوب پوشیدن آن است.

۳. صحیح محمد بن اسحاق:

« از امام کاظم (ع) پرسیدم: مردی، دارای خواجه ای است که بر او وارد می شود و (آب) وضوی آنان را فراهم می کند، آیا می تواند موی آنان را ببیند؟ فرمود: نه.<sup>۲</sup>»

۴- دلیل چهارم در مورد قول اول اینست: در صورتی که بر زن واجب باشد چهره و دستان خود را از نامحرم بپوشاند، بی تردید این حکم، در مورد نوع زنان که در آمد و شد و انجام امور و معاملات خود، سر و کار با نامحرم دارند، موجب عسر و حرج است و چنین حکمی، به مقتضای قاعده نفی عسر و حرج، منتفی است.

### مسئله اضطرار

آنچه تاکنون در مورد مسئله پوشش گفتیم، حکم اولی و مربوط به حالات عادی و عدم اضطرار بود و اما در صورت بروز اضطرار و حالات غیر عادی، این حکم، بسان دیگر احکام، وضعیت دیگری پیدا می کند، چرا که بر اساس شماری از آیات قرآن، از جمله، آیه ۱۷۳ از سوره بقره و آیه ۳، از سوره مائده، بسیاری از آن چه در حالات عادی، حرامند مانند خوردن مردار و خون و گوشت خوک، در حال اضطرار، حلالند. در روایتی نیز به طور فراگیر، از قول امام صادق (ع) می خوانیم:

از آن چه خداوند، حرام نموده است، چیزی یافت نمی شود، مگر آن را برای شخص مضطر، حلال کرده است.<sup>۳</sup>

حکم پوشش نیز از این قاعده، مستثنا نیست؛ چنان که شمار درخور توجهی از فقها به این امر تصریح کرده اند. البته روی سخن ایشان، به جواز نگرستن به زن در مواقع اضطرار است، ولی بی تردید این حکم، مستلزم عدم وجوب پوشش در این مواقع است، چرا که بدون آن، رفع اضطرار نمی شود.

<sup>۱</sup> (قرب الاسناد، ص ۱۶۰).

<sup>۲</sup> (وسائل الشیعه، ص ۱۶۶، ابواب مقدمات النکاح، ب ۱۲۵، ح ۲).

<sup>۳</sup> (وسائل، ج ۴، ص ۶۹۰، ابواب القیام، ب ۱، ح ۷).

شیخ طوسی در این باب می نویسد :

« برای مرد، روانیست بدون حاجت و سبب، به زن نامحرم بنگرد... ولی نگرستن به او، از روی ضرورت و حاجت، جایز است ضرورت، مانند نگرستن پزشک به او که به هر حال جایز است (حتی) می تواند به شرمگاه او نگاه کند، زیرا این کار مورد ضرورت است و درمان نمودن آن بدون آگاهی یافتن بر آن، میسر نیست

و نیز مانند این که مرد، ادعا کند همسرش، دچار عیبی است، ولی زن انکار نماید و مرد ناچار شود، جهت مشاهده عیب، شخصی را حاضر نماید.

و حاجت، مانند این که مرد بخواهد نسبت به زن، تحمل شهادت کند که ناچار به منظور شناختن او، به چهره اش بنگرد.

و نیز مانند این که میان مرد و زن معامله ای انجام پذیرد، در چنین موردی، مرد به چهره زن می نگرد تا ببیند، قیمت یا کالا را به کی می دهد.<sup>۱</sup>

محقق حلی، در همین زمینه، افزون بر قاعده اضطرار، به قاعده لاضرر نیز استناد می کند و بر این امر تأکید می ورزد که بر مرد لازم است در این گونه موارد، به همان مقدار ضرورت، بسنده کند؛ عبارت وی چنین است :

« هنگام ضرورت، نگرستن جایز است، مانند این که بخواهد بر زن شهادت دهد و نگاه کننده باید به مقداری که اطلاع یافتن بر آن، مورد اضطرار است، بسنده کند، مانند پزشک که در صورت احتیاج زن به وی در امر درمان، می تواند حتی به شرمگاه او نیز بنگرد، زیرا این کار، موجب بر طرف کردن ضرر می شود.<sup>۲</sup>

ابن ادریس، پس از سخنی مشابه آن چه از شیخ نقل نمودیم، به روایت زیر استناد می کند :

« روایت شده زنی به منظور بیعت نمودن با پیامبر (ص) نزد آن حضرت آمد و بدین منظور دست خود را بیرون آورد. حضرت با دیدن دست او، فرمود : دست زن است یا مرد ؟ عرض کرد : زن، پیامبر فرمود : حنای آن کجاست ؟ »

ابن ادریس پس از نقل روایت بالا می نویسد :

« این خبر، دلیل بر آن است که نگرستن به زن، هنگام حاجت، جایز است، زیرا پیامبر (ص) با نگرستن به دست عریان زن، دانست آن دست فاقد حنا است.<sup>۳</sup>

باید گفت اگر چنین روایتی هم در کار نبود، همان دلیل های قاعده اضطرار و قاعده لاضرر برای صدور این حکم، کافی بود.

<sup>۱</sup> ( مبسوط، ج ۴، ص ۱۶۰ - ۱۶۱ ).

<sup>۲</sup> ( شرایع الاسلام، ج ۲، ص ۲۶۹ ).

<sup>۳</sup> ( سلسله الینابیع الفقهیه، ج ۱۹، ص ۴۲۵ )

## آثار مثبت حجاب

### ۱- در اجتماع و آرامش روان

نبودن حریم بین زن و مرد بر هیجان‌ها و التهاب‌های جنسی می‌افزاید و عطش سیری ناپذیری کامیابی جنسی را بیش‌تر می‌کند و این غریزه نیرومند را که همانند آتش، هر چه به خوراک آن افزوده می‌شود شعله‌ورتر می‌شود، نیرومندتر می‌سازد. لذا تمامی آرامش روانی فرد و جامعه را به خطر می‌اندازد.

رعایت حجاب در سلامت و پاکی اجتماع مؤثر است، به علت تاثیر زیاد آن در استحکام خانواده به عنوان پایه و اساس اجتماع و نیز تاثیر آن در ساخته شدن فرزندان با تربیت صحیح و پاک نگه داشتن محیط اجتماع از عوامل تحریک آمیز حیوانی اکثر دختران و پسرانی که در سنین پایین به دام مفاسد مختلف می‌افتند، کسانی هستند که از تربیت حقیقی و صحیح محروم بوده‌اند این ظلم را هیچ کس جز والدین به آنها نکرده‌اند. از طرفی با رعایت حجاب، ریشه بسیاری از تفاخرها، تکاثرها، اسرافها، تحریک‌های بی‌موقع در اجتماع کنده خواهد شد و بذر فساد خشکیده خواهد شد.

### ۲- در مسئولیت‌های اجتماعی

هر انسانی در برابر اجتماع خود وظایف و مسئولیتهایی دارد و زنان نیز هر چند با گرم نگه داشتن کانون خانواده و تربیت صحیح فرزندان، بزرگترین خدمت‌ها را به جامعه می‌کنند، اما انتظار از آنان به عنوان نیمی از پیکره جامعه بیش‌از این می‌رود. اسلام عزیز خواسته است که آنان در جامعه نیز نقش داشته باشند. حضور زنان در ستادهای پشتیبانی، درمانی و غذایی، همدوش با رزمندگان اسلام و در دیگر جاها در دوران پیامبر و حضور گسترده آنها در تاریخ انقلاب اسلامی ایران چه در پیروزی انقلاب اسلامی ایران و چه در دوام آن به خصوص دوران جنگ و سایر مسایل زندگی خود نشانگر این انتظار است.

### ۳- در تحکیم خانواده

هر چیزی که به تحکیم خانواده بینجامد، باید در ایجاد آن حداکثر تلاش و کوشش را مبذول داشت و بر عکس، هر چیزی که پایه خانواده را متزلزل کند، باید با آن مبارزه کرد. اختصاص یافتن استمتاعات جنسی به محیط خانوادگی، پیوند زن و شوهر را محکم می‌سازد و همسر قانونی شخص از لحاظ روانی عامل خوش بخت کردن او به شمار می‌رود.

### ۴- در حفظ نسل از خطر سقوط

شکی نیست که یکی از آثار بی‌حجابی، بی‌بندوباری و روابط نامشروع در ابعاد وسیع است چنانکه در دنیای غرب، به خوبی دیده می‌شود، و آثار نکبت‌بار روابط نامشروع بر کسی پوشیده نیست، یکی از آثار، آلوده شدن نسل، و به دنبال آن سقط جنین و تولد فرزندان نامشروع و غیر قانونی است که متأسفانه بر اثر عدم رعایت عفت و پوشش اسلامی، این آثار روز بروز بیشتر می‌شود و آمار نشان می‌دهد که این موضوع در کشورهایی که پوشش اسلامی رعایت نمی‌شود به مراتب بیشتر از جاهایی است که پوشش اسلامی رعایت می‌شود.

### ۵- در استواری اجتماع

عکس آن چه طرف داران بی‌حجابی ترویج می‌کنند حجاب باعث فلج شدن نیمی از پیکره جامعه است، باید گفت، بی‌حجابی و کشانیدن تمتعات جنسی به محیط اجتماع باعث تضعیف نیروی کار و فلج

شدن جامعه می شود. بله، معنای حجاب محروم کردن زن از فعالیت های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و غیره نیست تا موجب از کار افتادن نیمه پیکره اجتماع باشد، بلکه حتی تحصیل علم در اسلام فریضه و واجب مشترک بین مرد و زن است و هیچ فعالیت اقتصادی به خصوص هم برای زن تحریم نشده، بلکه با رعایت پوشش مقرر، ضمن آلوده نکردن جامعه می تواند به فعالیت های فرهنگی و یا اجتماعی بپردازد.

#### ۶- در ارزش نهادن و احترام به زن

هر اندازه زن متین تر و باوقارتر و عقیف تر حرکت کند و خود را در معرض نمایش مرد نگذارد، بر احترامش افزوده می شود و اصولاً حریم نگه داشتن بین زن و مرد سبب احترام و ارزش بیش تر او در نظر مرد می شود.<sup>۱</sup>

#### آفات بی حجابی

در خاتمه به برخی از اثرات سویی که از طریق بی حجابی و بدحجابی دامنگیر جامعه و بالطبع خانواده - این مقدس ترین بنیان اجتماعی - می شود اشاره می نماییم:

۱- رونق گرفتن چشم چرانی و هوسبازی . ۶- خودکشی و فرار از خانه در اثر آبروریزی .

۲- توسعه ی فساد و فحشا . ۷- بی مهری مردان چشم چران نسبت به همسران خود.

۳- سوء قصد و تجاوز به عنف . ۸- بالارفتن آمار طلاق و تضعیف روابط خانوادگی .

۴- بارداری های نامشروع و سقط جنین . ۹- رقابت در تجملات .

۵- پیدایش امراض روانی و مقاربتی . ۱۰- ایجاد دلهره برای خانواده پاکدامن .<sup>۲</sup>

#### نتیجه گیری

برخلاف تصور برخی از مسلمانان که وضع قانون حجاب را از زمان ظهور اسلام می دانند، این امر مهم از زمان خلقت بشر به عنوان یک امر فطری در وجود او بودیعه نهاده شده و تمامی ادیان و مذاهب الهی بر موضوع فوق صحنه نهاده و آن را در جامعه اجرا می نمودند ولی آنچه که بعد از طلوع اسلام حائز اهمیت است قانون حجاب به شکل کامل و منطقی در جامعه اجرا گردید . براساس آیات حیات بخش الهی و روایت پیامبر اسلام (ص) و ائمه اطهار (علیهم السلام) حجاب در جامعه واجب بوده و پوشش برای تمام بدن زنان به جز چهره و دست ها تا مچ لازم می باشد . البته در صورت ضرورت می توان به همه جای بدن زن با رعایت شرایطی نگاه کرد و اگر صورت و دستها نیز دارای زینت باشند نگاه به آن جایز نمی باشد و نیز پوشیدن لباس های نازک و بدن نما ، هم برای زن و هم برای مرد جایز نیست . و رعایت حجاب ، باعث بالا بردن ارزش و کرامت انسان ، آرامش روانی افراد جامعه، پایداری کانون گرم خانواده و ایجاد نسلی صالح و شایسته و در نهایت تحکیم بنیان ها « اخلاق » در اجتماع می شود .

<sup>۱</sup> (مسئله حجاب، ص ۶۸-۸۰) .

<sup>۲</sup> (تفسیر نور ذیل آیه ۵۹ سوره احزاب ، ج ۹- ص ۳۹۹ و ۴۰۰)

## پیشنهادات

- پیشنهاد می شود در کنار آموزشهای علمی، اهمیت حجاب و حدود و موازین آن در کتاب های مدارس و تمامی رشته های دانشگاهی به عنوان واحد درسی گنجانده شود.
- ائمه محترم جمعه و جماعات، سخنرانان، وعاظ و خطبای محترم در نماز جمعه، مساجد و حسینیه ها، به نوبه خود در تبیین اهمیت حجاب اهتمام ویژه ورزند .
- از طریق رسانه عمومی صدا و سیما که مخاطبان آن عامه مردم اند فیلم های آموزشی به شکلی جذاب- بویژه به صورت انیمیشن برای کودکان و نوجوانان - با رعایت موازین شرعی و حفظ حریم خانواده و اجتماع ساخته و به نمایش در آید.
- چاپ و انتشار کتابهایی با متن روان و جذاب در زمینه حجاب برای نوجوانان و جوانان
- برگزاری مسابقات کتابخوانی، طراحی، نقاشی، مقاله نویسی، شعر و... با موضوع حجاب همراه با جوایز نفیس و ارزنده در مواردی متعدد و گسترده

## منابع و مأخذ :

۱. احمد بن حنبل، مسند، بیروت، دارصادر، (بی تا).
۲. حلی، ابن ادریس،، السرائر، چاپ شده در سلسله الینابیع الفقهیه، چاپ اول، بیروت، الدار الاسلامیه، ۱۴۱۰ ق.
۳. حلی، احمد بن شمس الدین، ارشاد الاذهان، چاپ شده در سلسله الینابیع الفقهیه .
۴. حلی، احمد بن شمس الدین، تذکره الفقهاء، چاپ اول، قم، آل البیت (ع)، ۱۴۱۴ ق.
۵. حلی، محقق، شوائع الاسلام، چاپ دوم، تهران، انتشارات اعلمی، ۱۳۷۴ ش.
۶. حمیری قمی، عبدالله بن جعفر، قرب الاستاد، تهران، انتشارات کتابخانه نینوا، (بی تا).
۷. طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم، عروه الوثقی، چاپ دوم، قم، موسسه اسماعیلیان، ۱۳۷۰ ش
۸. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، چاپ اول، بیروت، موسسه العلمی للمطبوعات، ۱۴۱۵ ق
۹. طوسی، محمد بن حسن، نهاییه، قم، انتشارات قدس محمدی، (بی تا).
۱۰. طوسی، محمد بن حسن، مبسوط، چاپ دوم، تهران، المطبعه الحیدریه، ۱۳۸۸ ق.
۱۱. عاملی، حر، وسائل الشیعه، چاپ چهارم، بیروت دار احیاء التراث العربی، ۱۳۹۱ ق.
۱۲. فخر المحققین، ایضاح الفوائد، چاپ اول، قم، اسماعیلیان، ۱۳۸۹ ق.
۱۳. قرآن کریم، چاپ چهارم، قم، چاپخانه بزرگ قرآن کریم، ۱۳۸۶ ش
۱۴. قرائتی، محسن، تفسیر نور، چاپ دهم، تهران، مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن، ۱۳۸۶ ش.
۱۵. مطهری، مرتضی، مسئله حجاب، قم، انتشارات صدرا، (بی تا).
۱۶. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، چاپ سوم، تهران، المکتبه الاسلامیه، ۱۳۶۷.
۱۷. نراقی، احمد، مستند الشیعه، چاپ اول، قم، چاپ ستاره، ۱۴۱۹ ق.
۱۸. معصومی، سید مسعود، احکام روابط زن و مرد، چاپ اول، قم، موسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۲.